

بخش س، مقم

زیایی

این بخش در برگزیده ۳۱۵ نام میباشد.

آب نار - می خوشگوار سرخرنگ، زیبا
 آب ناز - می - باده - با ناز، زیبا
 آزد - (مانند کار گر) : زیبایی، رنگ
 آزم - شرم - بزرگی
 آزم بانو
 آزم تاج
 آزم دخت
 آزمگان
 آزمین
 آزمین بانو
 آزمین دخت
 آس - نگاه با ناز، گوشه ابرو، ناز
 با چشم، خرامش چشم
 آن - نمک زیبایی، گیرایی، خرد، می
 ناب، زیبایی ناگفتنی و بسیار
 ارج ناز - ناز بزرگو دوست داشتنی
 ملوس، نازنین، ناز کشیدنی
 ارداد - (مانند سردار) : فریبنده، زیبا
 اروس - سپیدپوش، دختر زناشویی
 اشن - (مانند سمن) : نوری، نوباه
 اشنگ - (مانند پرند) : زیبا، نوری
 افرند - (مانند کمرنگ) : زیبایی، شکوه
 افرنگ - (مانند کمرنگ) : افرند
 افسان - افسانه، دلریا، فریبا
 افسانه - داستان، دلریا، گیرا، زیبا
 افسون - گیرایی، جادویی، زیبایی
 ناز، دلبری

افسون بانو - بانوی گیرا و فریبا
 افسون تاج - دلریا، پرکشش، زیبا
 افسون دخت - دختر ناز، ملوس
 افسونگر - نازکننده، دلبر، نازنین
 افشان - موهای پریشان و زیبا
 افشانه - نگد به " افشان"
 افشون - زلف پراکنده، زیباگیسو
 افشونه - زلف آشفته و خوشگل
 اهور - (مانند شهوار) : شیفته
 شیدا، دلداده، دلباخته
 اهور - (مانند رهبر) : دلبر، دلداده
 ایبک - (مانند زیرک) : بت، زیبارو
 ایتوک - (مانند دیروز) : نوید، مزده
 بالست - (مانند پابست) : دختر زیبا
 بت - دلبر، زیبا رخ، نماد زیبایی
 بت آرا - زیباتر از بت
 بت فریب - فریبا، غشنگتر از بت
 بخسان - (مانند لرزان) : خرامان، با
 ناز، با کرشمه، ملوس
 برازا - (مانند همانا) : برازنده، زیبا
 برازان - (مانند سواران) : بلند بالا
 و کشیده، خوش اندام، خوشنما، زیبا
 برازش - (مانند نوازش) : زیبایی
 برازندگی، خوشگلی، زیبایی
 براز نیتار - (مانند سوار بیکار) : زیبا
 و خوشگل، فروزان و پرفروغ، تابان
 برازیده - زیبا، آراسته، برجسته
 برازیشک - (مانند کمانی تر) : زیبا

خوشگل، تابان، رخشان
 بیو - (مانند همو) : اروس
 بیوگ - (مانند همون) : اروس
 برره - (مانند درگه) : آراسته، خوب
 زیبا، آراستگی، پیراستگی
 برز آفر - (مانند گریزا سر) : آفریده
 شکوه و برازندگی، آراسته و زیبا
 برز آفرید - (برز مانند گرز) : زاده
 شکوه و زیبایی
 برز آفرین - نگد به " برز آفرید"
 برز بانو - بانوی خوش اندام و غشنگ
 برزدخت - دختر خوش برو بالا
 برزم - (مانند پرده) : ناز و کرشمه
 دژی در کنار آب آمو
 برنا - (مانند گلپا) : جوان، زیبا
 برنا بانو - بانوی جوان و زیبا
 بریخت - بخت خوب و جوان
 برنا داد - زاده زیبایی و جوانی
 برنا دخت - دختر جوان زیبا
 برنا زاد - آفریده زیبایی و جوانی
 برنا ماه - جوان زیبا، زاده ایزدماه
 برنا مهر - زاده ایزد مهر، تابان
 بشک - (مانند دست) : ناز، کرشمه
 غمزه، شبنم
 بلند بالا - کشیده، خوش برو بالا
 بلور - مرمین، رخشان، زیبا
 بلورک - بلور دوست داشتنی و زیبا
 بلورین - مرمین، رخشنده، زیبا

بناز - با کرشمه، فریبا، گیرا
 بهناز - با ناز فراوان، فریبنده، گیرا
 بنک - (مانند نمک) : سرخی و گل
 انداختن مهوشان هنگام می نوشی
 بیو - (مانند همو) : اروس
 پاره کار - (مانند لاله زار) : دلداده
 شوخ و شنگ، دلریا و با ناز
 پاکناز - گیرا، دلپذیر، زیبا، غشنگ
 پچی - (مانند کمی) : بوسه، ماچ
 پچی بانو - بانوی ناز و بوسه
 پچی دخت - دختر پرکرشمه و باناز
 پرارین دخت - دختر زیبایی و نیکی
 پگد - (مانند سر) : زن نار پستان
 تخشک - (مانند نرمک) : خوبرو، زیبا
 تیا - ناز، ادا، غمزه، فریبایی
 تیباش - غمزه، ناز، خرامش
 جماش - (مانند روال) : شوخ و شوخی
 فریبندگی، غشنگی، مست و مستی
 جمانی - زیبایی ساغر به دست
 جوان
 جوان بخت
 جوان بانو
 جوان دخت
 چالیش - راه رفتن و رفتار با ناز

چام - چم و خم گیسو زلف زیبا •
 چغند - (مانند کمند) : موی گره کرده پشت سر •
 چل گیس - زلف بافته • خرامان •
 چل گیس بانو - بانوی زیبا گیسو •
 چل گیس دخت - دختر زیبا گیسو •
 چم - (مانند هم) : خرام ناز • کرشمه •
 چمان - (مانند زمان) : خرامان • با ناز • با ادا • با خرام •
 چمان بانو - بانوی خرامان و با ناز •
 چماند - (مانند خماند) : خرام • راه رفتن با ناز و کرشمه •
 چمان دخت - دختر خرامان و با ناز •
 چمانه - (مانند زمانه) : خرامان • با ناز • پیاله می •
 چمانی - خرامان • ساغر به دست •
 چمچم - (مانند به به) : رفتار خرامانه •
 چمچه - (مانند زمزمه) : سدا و آواز • راه رفتن خرامان و با ناز •
 چم رو - (مانند در شو) : راه رفتن با ناز و کرشمه • خرامش •
 چمش - (مانند دست) : چشم • خرامش و رفتار با ناز •
 چم ناز - با ناز • خرامان • ملوس •
 چمیده - ناز و غمزه • راه رفتن باناز •
 خجیر - (مانند گلین) : زیباری • زیبا • پیکر • خوش اندام • خوشگل •

خرام - (مانند کدام) : ناز • ادا • راه رفتن با کرشمه و غمزه •
 خرامان - با ناز راه رفتن •
 خرامانه - با کرشمه بودن •
 خوبسار - زیبا • غشنگ • خوشگل •
 خوب ناز - با ناز بسیار • ملوس •
 خوشاب - زیبا • گیرا • خوش سیما •
 خوشابه - خوبرخ • فریبا • زیبا •
 خوشبو - با بوی دلپذیر • دل انگیز •
 خوش خرام - با ناز راه رفتن •
 خوشگل - زیبا • غشنگ •
 خوشگله - زیبا • فریبا • گیرا •
 خوشناز - با ادا • ملوس • باناز •
 خونچه - تبغچه اروس •
 داس زرین - ماه نو •
 دنان - (مانند زمان) : خرامان • باناز •
 رادک - (مانند ساده) : ناب • بی آرایش و زیبا • گیرا و فریبا •
 رامک - (مانند ساده) : تودل برو •
 فریبا • پرکشش • زیبا •
 رامک بانو - بانوی فریبا •
 رامک دخت - دختر تودل برو • گیرا •
 رایکا - خوش سیما • دوست داشتنی •
 رایکانه - خوش رخساره • زیبا •
 راییکا - دوست داشتنی • فریبا •

زیبا
 زیبا آفرید
 زیبا آفرین
 زیبا بانو
 زیبا تاج
 زیبا خرم
 زیبا داد
 زیبا دخت
 زیبا زاد
 زیبان
 زیبان آفرید
 زیبان آفرین
 زیبان بانو
 زیبان تاج
 زیبان داد
 زیبان دخت
 زیبان زاد
 زیننده
 زیننده دخت

ژون - بت • زیبایی • فریبایی •
 ژون آفرید - آفریده زیبایی •
 ژون آفرین
 ژون تاج
 ژون دخت
 ژون زاد

سری - (مانند دلی) : بزرگی • والایی

وزیبایی • فریبا • یی •
 سری بانو - بانوی زیبا و کامران •
 سری دخت - دختر زیبا و کامکار •
 سری را - (مانند به مینا) : دختر خوشگل و تن ناز • ملوس • نازنین •
 سوگلی - دختر زیبا و برگزیده به آذری سهی - (مانند همی) : کشیده • بلند اندام • خوش اندام • زیبا •
 سهی بانو
 سهی دخت
 سهی داد
 سهی زاد
 سهی ناز
 شابی - بوی خوش • گیرا • دلپذیر •
 شاه ناز
 شکر
 شکر بانو
 شکر بیز
 شکر دخت
 شکر ریز
 شکر ناز
 شمن - (مانند سمن) : بت پرست •
 زیبا پرست • زیبایی • فریبایی •
 شمند - (مانند سمند) : شمن •
 شنگل - (مانند ترگل) : سرمست •
 شاد • زیبا •
 شنگول - سرمست • شادمان • خرم •

غشنگ بانو
غشنگ تاج
غشنگ داد
غشنگ دخت
غشنگ زاد
غشنگك

شوخ • بامزه - با ادا • باناز •
شنگوله - نگ به "شنگول" •
شورانگیز - شادی بخش • دلربا • با
ناز • ملوس • زیبا •
شهر آشوب - خوشگل • شورانگیز •
شهرناز
شهرنوش
شیرین
شیرین بانو
شیرین بن - (بن مانند کن) : شیرین
نژاد • نژاده • فریبا • دلپذیر •
شیرین داد
شیرین دخت
شیرین زاد
شیرین ناز
شیرینك
شیرینه
شیفته
شیوا
شیوا بانو
شیوا تاج
شیوا دخت
شیوان - زیبا • خوشبخت • نیک گام
شیوان دخت •
غشنگ
غشنگ آفرید
غشنگ آفرین

فرخال - (مانند سرکار) : زلف فرو
ریخته بی چین و شکن • زلف بلند •
قرخ دیم - زیبا رو • غشنگ • خوشگل •
فرخناز - دوست داشتنی • نیکبخت •
فرساقه - (مانند بدهکاره) : شب
نوروز • جشن آریایی •
فرناز - ملوس • زیبا • باناز •
قرهناوش - جاویدانی شایسته • پر
ناز پاینده •
قره ناز - بسیار ملوس • با کرشمه •
فریبا - دلربا • فریبنده • زیبا •
فریبنده - فریبا • گیرا • پرکشش •
فریبه - نگ به " فریبا " •
فریفته - دلباخته • دلداده • شیفته •
فسانه - زیبای افسانه‌ای • داستان •
فسونگر - پرناز • پرکرشمه • ملوس •
کاسماره - زن زیبای چشم آبی •
کرس - (مانند سرخ) : زلف پر پیچ و
شکن • خم گیسو •
کرشمه - ناز • ادا • خرامش • زیبایی •

کرشمه بانو
کرشمه تاج
کرشمه داد
کرشمه دخت
کرشمه زاد
کرشمه ناز

گشنا - (مانند همسا) : زن زیبا •
گیشا - زن فریبا و تودل برو و زیبا •
مامك - مادر دوست داشتنی • تودل
برو • مادر کوچولو •
مرمر
مرمران
مرمر آفرید
مرمر آفرین
مرمر بانو
مرمر داد
مرمر دخت
مرمر زاد
مرمره
مرمرین
مشکبیز
مشکبوی
ملوس
ملوسك
موژان - چشم سیاه • پرکرشمه • چشم
خواب آلوده زیبا • نرگس نیم شکفته

موجان - نگ به " موژان " •
می گون - همانند می •
می ناز - باده دلپذیر •
ناز
ناز آفرید
ناز آفرین
نازان
نازبانو
ناز بو
ناز پرور
ناز داد
ناز دخت
ناز زاد
نازش
ناز شهر
ناز فر
نازك - (مانند باده) : ملوس دوست
داشتنی - ناز کوچولو و زیبا •
نازكش
نازگون
نازنوش
نازنین
نازنینك
نازی
نازی آفرید
نازی آفرین
نازی تاج

نازی داد

نازی دخت

نازی زاد

نازی یاب

ناهد - (مانند بادل) : دختر نثار

پستان - دختر فریبا و زیبا

نرمه - دوست داشتنی - ابریشمی

نسو - (مانند همو) : نرم - لغزنده

دلچسب - دلپذیر

نسود - (مانند کبود) : نگد به نسو

نشتی - (مانند دشتی) : نیک - زیبا

خوش - شادمان - فریبا

نگار

نگار بانو

نگار دخت

نگارک

نگاره

نگارین

نماک - (مانند سوار) : زیبا - پرفروغ

نمک سار - نمکین - فریبا - گیرا

نمکین

نمکینه

نوان - (مانند دوان) : خرامان - با

ناز و کرشمه

نورس - تر و تازه - نوبر - دلپذیر

وشت - (مانند رشت) : زیبا - خوب

نیکو - گروه کوچک سپاهیان

ولانی - (مانند زمانی) : نورسیده

باده ناب و گیرا - می گلگون

وهوگون - (مانند مگوزور) : خوشبو

خوشرنگ - خوشآیند و زیبا

ویرایش - آراستگی - آرایش - پیرایش

ویو - (مانند بجو) : اروس

ویوگ - اروس

هوبرز - (مانند کوگرز) : خوش اندام

زیبا بر و بالا - نیک بالا - زیبا

هوتاشیت - خوشگل - زیبا - فریبا

هوتاشید - نگد به "هوتاشیت"

هورست - (مانند کومشت) : خوش

اندام - بلند بالا - زیبا اندام

هورسته - (مانند گل پشته) : نیک

رسته - خوب روییده - بلند بالا - نیک

اندام - خوش بر و بالا - زیبا

هوداد - نیک آفریده - خوب و زیبا

هوزاد - نگد به "هوداد"

یار - دوست - دلدار - دلبر

یار ناز - دلبر ملوس - دلدار زیبا

یار موژان - دلبر و زیبای چشم سیاه

یارک - دلبر ملوس

یار گل - دلبر همچون گل

یار تاز - دوست مهربان - دلبر ملوس

یار نوش - دلبر کامیاب و جاودانی

یار هو - دلبر خوب و زیبا